

تربیت معنوی و بایسته‌های معنویت‌گرایی در بینش، منش و کنش رضوی (ع) رسول حسین‌پور تنکابنی^۱*

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین رویکرد تربیتی امام رضا (ع) در عرصه معنویت دینی و بایسته‌های معنویت‌گرایی در نگرگاه ایشان بود. در این نوشتار ضمن تعریف مفاهیم نظری پژوهش (معنویت، معنویت دینی و تربیت معنوی)، نخست بنیادهای تربیت معنوی با نگرش دینی را مشخص کردیم. مهم‌ترین بنیادهای تربیت معنوی در بستر فرهنگی رضوی، وجود امر قدسی / خداوند، وجود روح و وجود فراطبیعت (جهان‌های برزخ و آخرت و عدم پسندگی و دل‌بستگی به جهان ماده) هستند. روش پژوهش در این مقاله، تحلیل محتوا بود و رویکرد قیاسی را ملاک مصداق‌یابی قرار دادیم. جامعه مخاطب، منابع روایی معتبر شیعی به‌گونه عام و روایات وارده از امام رضا (ع) به‌طور خاص بود که به بررسی درآمد. افزون بر این، اسنادی که به طرح و تبیین بایسته‌های معنویت دینی پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش، شیوه‌های تربیت معنوی رضوی بودند که در چهار مورد کلی دسته‌بندی شده و برخی از آن‌ها به موارد جزئی‌تر تقسیم شدند: ۱- خداآوری / خداگرایی (که دربردارنده مقوله‌های بینش‌محور و کنش‌محور است)، ۲- خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی (مشمول بر شیوه‌های خالق‌محور و مخلوق‌محور)، ۳- افزایش آستانه تاب‌آوری در برابر تلخ‌کامی‌ها ۴- کم‌توجهی به دنیا. نتیجه‌ای که در این مقاله به‌دست آمد، انحصار حصول آرامش پایدار روحی در بستر معنویت دینی از طریق توجه حداکثری به امر قدسی و فراطبیعی، کاربست عقلانیت دینی و استدلال‌گرایی، دیانت و پایبندی به آموزه‌ها و دستور کارهای شرعی در زیست دنیوی است.

واژگان کلیدی: آرامش، امر قدسی، خداآوری، مثبت‌اندیشی، قناعت، تاب‌آوری.

۱- دانشجوی دکتری فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

بیان مسئله

نگاه تحقیقی به جوامع گویای آن است که سخن از معنویت و داشتن زیست معنوی، هیچ‌گاه منحصر در زندگی مسلمانان نبوده و نیست؛ چراکه آرامش روح، گم‌گشته‌ای است که بیشتر پیروان ادیان توحیدی، سنتی و نوپدید در پی آن بوده و با کاربری شیوه‌های گونه‌گون وحیانی (الهی) یا تولیدی (بشری)، تمنای آن را می‌نمایند. معنویات، حتی نوع ساختگی آن، با اینکه فرامادی نبوده و به معنای واقعی کلمه زمینی است، بر زندگی انسان‌ها بی‌تأثیر نیست؛ چه رسد به معنویتی که پیامبران و امامان شیعه (ع) که به منبع ازلی و ابدی و جمال و جلال بی‌منتها متصل هستند، مردم را به آن فراخوانده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۱۸۶-۱۸۷). بی‌تردید برای داشتن زیستی معنوی، باید در یک دستگاه تربیت معنوی قرار گرفت و با آگاهی از پایه‌ها و روش‌های آن، در مسیر انسان شدن و یافتن آرامش پایدار و راستین کامیاب شد.

اسلام یگانه دینی است که بسیار به تربیت روح و رسیدن آن به کمال مطلوب - که همان شهود و قرب الی‌الله است - اهمیت داده است. همان‌گونه که گفته شد، آرامش مقوله‌ای است که در کنار معنویت بسیار به چشم می‌آید. بی‌تردید تکاپوی انسان به سوی اصل خویش و پیوند هر چه بیشتر با آن، برای او زمینه‌ساز آرامش است؛ اما نکته این است که چه گونه‌ای از تربیت و چه شیوه‌ای از آن را باید برگزید تا در عین وجود تلخ‌کامی‌ها، ناگواری‌ها، دشواری‌ها و رویدادهایی که چهره زیست دنیوی را در پیشگاه ذهن انسان دگرگون می‌کند، از آرامشی پایدار برخوردار شد؟

تربیت معنوی شاخه‌ای از مجموعه تربیت و زیرشاخه‌ای از تربیت دینی است که گاه در کنار تربیت‌های اعتقادی و اخلاقی نیز نگریسته می‌شود. در نوشتار حاضر، با ملاحظه قرار دادن معنویت دینی در اسلام شیعی از یک‌سو و شیوه‌های تربیتی آن با محوریت مقوله‌های منشی - کنشی امام رضا (ع) از سوی دیگر، روش‌های پیشنهادی ایشان را در تربیت معنوی، برای انسان عصر حاضر مورد بررسی قرار داده‌ایم تا راه دستیابی به آرامشی که تنها در گرو نزدیک شدن هر چه بیشتر به درجه‌ای از صفات متعالی پروردگار است، از دیگر مسیرهای تولیدی بشری مشخص شود.

تاکنون پژوهش‌های چشمگیری پیرامون تربیت معنوی در ساحت دینی اسلام انجام شده است. مقالاتی که در پی آمده‌اند، شماری از دستاوردهای پژوهشی در عرصه تربیت معنوی است:

- بررسی معنویت در رویکردهای دینی: مواجهه الگوهای «تربیت دینی» با «معنویت» (باغلی،

شعبانی، غفاری و نهبانندی)

- راهبردهای تربیت معنوی در قرآن (انتظامی‌بیان و احقر)

- بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی (اشعری، باقری و

حسینی)

- حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی (سلحشوری)
- نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر، معنویت دینی و نوپدید - تشابه ذاتی یا اشتراک لفظی (باغکی)
- تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی (کیانی و دیگران)

تربیت معنوی - در حوزه روش‌ها - از نگاه امام رضا (ع)، تنها عنوانی است که نویسنده غیر از یک مورد «سبک زندگی معنوی امام رضا (ع)؛ الگویی برای آرامش روانی» (خوان/ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۳)، نتوانست پژوهش دیگری برای آن بیابد. با این توصیف، همچنان ضرورت تبّع و واکاوی جامع‌تر با محوریت روایات امامان شیعه در این عرصه احساس می‌شود. نگارنده در این مقاله نخست با معرفی و تبیین چستی معنویت دینی و تربیت معنوی، به تعریف واژگان کلیدی نوشتار حاضر پرداخته و پس از آن بنیادها و شالوده‌هایی را که معنویت دینی بر پایه آن شکل می‌گیرند، ارائه کرده است تا وجه امتیاز معنویت دینی از معنویت‌های نوپدید (فراذینی / غیردینی) روشن شود. گفتنی است که این بنیادها، از ساحت معرفتی - اعتقادی دین اسلام و به‌طور خاص فرهنگ رضوی استخراج شده است. پس از این مرحله به عرضه، تبیین و تفسیر روش‌های تربیتی رضوی پرداخته‌ایم. در این قسمت اگرچه به روش‌های بسیاری برمی‌خوریم، اما با توجه به گنجایش مقاله و ریز شدن و تخصصی بودن مباحث، نگاه خود را تنها به چهار روش عمده و کارآمد متمرکز ساخته‌ایم:

- ۱- خداباوری (بینش‌محور و کنش‌محور)
- ۲- خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی (خالق‌محور و مخلوق‌محور)
- ۳- افزایش آستانه تاب‌آوری در برابر تلخ‌کامی‌ها
- ۴- کم‌توجهی به دنیا

با تفسیر و تحلیل هر یک از روش‌های بالا که پاره‌ای از آن‌ها با نگرش‌های عرفانی و حکمت متعالیه صدرایی همراه و آمیخته است، این نتیجه به دست آمد که معنویت راستین منحصر در نوع دینی است، نه فراذینی. و بایسته است تا با توجه حداکثری به امر قدسی، کاربست عقلانیت و اندیشه‌ورزی و لزوم پایبندی به دستورکارهای شرعی و اخلاقی، به آرامشی برخاسته از درون دست یافت. پرسش اصلی این پژوهش این است که با توجه به سبک زندگی امام رضا (ع)، از نگاه ایشان چه شیوه‌هایی در تربیت معنوی وجود دارد که بتواند انسان جویای آرامش در سایه تقرب الی‌الله را به مطلوب خویش نایل گرداند؟

مفهوم شناسی (معنویت / معنویت دینی)

تعریف معنویت تا آن اندازه پیچیده است که حتی از تعریف دین هم دشوارتر است. باتوجه به پژوهش‌های انجام گرفته در این عرصه، تاکنون تعریف مشخص و فراگیری از معنویت ارائه نشده است (شلدراک، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵). در یک تعریف ساده، معنویت معرب مینوی است که به هر آنچه دربردارنده معنا باشد اطلاق می‌شود و دربرابر ظاهری و مادی قرار دارد (دهخدا، ۱۳۶۳). معنویتی که محصول دین است، مستلزم گذر از پوسته زندگی این‌جهانی به لایه‌های پنهان جهان هستی است. از این‌روی آنچه در معنویت دینی اهمیت دارد این است که معنویت دینی بیشتر بعد فرامادی زندگی انسان را نظاره می‌کند. این مسئله سبب می‌شود تا در زیست معنوی، لب و گوهر بعد معنوی انسان در سرشت الهی او جای گرفته باشد. این بعد مجرد همان چیزی است که شخصیت انسان و شرافت معنوی‌اش وابسته به آن است و خداوند نیز در قرآن کریم چنین بدان اشارت فرموده است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹). بنابراین و با توجه به معنویت‌پژوهی دینی، معنویت در رویکرد اسلام شیعی، شناخت پروردگار، تقرب و همانند شدن به اوست. نزدیک شدن به خداوند رابطه‌ای حقیقی میان خدا و انسان است؛ تا آن حد که نفس آدمی به سبب شناخت، باورها و کنش‌هایی ویژه (آموزه‌ها و دستورکارهای شرعی) که با فرجام آفرینش او و برپایه نظام معیار الهی در پیوند است، رابطه‌ای وجودی و مختارانه با خاستگاه هستی برقرار کرده و آن را پررنگ‌تر و مستحکم می‌کند.

افزودن این نکته نیز بایسته است که آموزه‌های معنوی در منظومه دینی نسبت به معنویت‌های فرادینی از آن‌روی برتری دارند که انسان در منظومه شریعت‌مدار، کارگزار یا جانشین پروردگار بر زمین و بنده او به‌شمار می‌آید. بنابراین برای تکمیل این دو جنبه باید بی‌چند و چونی، یکسره بر خواست و اراده خداوند گردن نهاد و برای زندگی خویش و چگونگی تحقق بخشی به خواست او، از او هدایت و فرمان گرفت (دین‌پرست، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). معنای این سخن چیزی جز انجام دستورات و تکالیف شرع مقدس نیست. اینکه دین و دستورات آن ویژگی معنویت‌زایی دارند، بدین معناست که باور به وحی و عمل به آن، هم عامل حدوث معنویت است و هم عامل بقای آن؛ فرایندی که از سوی حق تعالی آغاز شده و بدو نیز می‌انجامد (قرب الی الله و حصول آرامش پایدار روح). پس معنویت اصیل و انسان‌ساز، الهی، قدسی و به‌کلی دیگر است؛ نه انسانی، این‌جهانی و ساخته دست بشر (دین‌پرست، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). براین‌اساس معنویت دینی باید دارای بنیادهای زیر باشد:

- ۱- وجود آفریدگار و آغاز هستی که در رأس هرم معنویت دینی جای دارد.
- ۲- وجود سرشت و فطرت الهی یا همان روح و بعد فرامادی انسان.

۳- وجود فراطبیعت و جهان‌های نامحسوس / غیب یا به عبارتی جهان برزخ و آخرت و نیز وجود حلقه‌های اتصال میان آسمان و زمین که همان وحی، حاملان و حافظان آن هستند (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱).

جدول ۱. بنیادهای تربیت معنوی در باور و چشم‌انداز دینی

آفریدگار هستی / امر قدسی	نخستین مقوله و حقیقتی که در آغاز قوس نزول و پایان قوس صعودی هستی جای دارد و سرچشمه معنویت در سنت دینی شمرده می‌شود.
روح / سرشت و فطرت	بنیاد و بُعد متافیزیکی انسانی که عامل اساسی در معنویت‌گرایی او دانسته می‌شود و در معنویت نوپدید چندان مورد توجه قرار نگرفته است.
جهان‌های فراحسی و حلقه‌های اتصال میان آن‌ها و جهان طبیعت	آنچه در متون دینی تحت عنوان غیب، برزخ، آخرت و... از آن یاد می‌شود و در زبان فلسفی نیز با نام جهان مثال یا مجردات شناخته شده است. از سویی بشر عادی به‌منظور ارتباط با چنین جهان‌هایی نیازمند حلقه اتصال است که در زبان دین با عنوان پیام‌آوران الهی و حافظان وحی و دین (امامان) از آن یاد می‌شود.

تربیت معنوی

نهاد انسان به‌گونه‌ای است که میل و معرفتی فطری به پروردگار خویش دارد. پس از آنجا که انسان در حد ذات خود معنوی است و معنویت با سرشت او درآمیخته، تربیت معنوی در پی معنوی کردن انسان نیست؛ چراکه مسافتی که انسان در این مسیر می‌پیماید، بی‌پیشینه و از صفر نیست. به‌واقع تربیت معنوی، پروراندن و تعالی‌بخشی همان میل و شناخت قدسی و شکل بخشیدن ملکات نفسانی است (اشعری، باقری و حسینی، ۱۳۹۱، صص ۹۶-۹۵). در نگرش دینی، تربیت معنوی را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و آنچه فراتر از ظاهر دنیا قرار دارد و رهایی از تعلقات مادی و پیدایش حال، شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و درست برای حرکت به‌سوی خدای یگانه و قرار گرفتن در ولایت او» (میرعرب، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳).

با این تعریف اگر تربیت معنوی را همان هدایت به نور بدانیم، تربیتی است که با زدایش موانع دستیابی به سرچشمه هستی، راه اتصال به آن را هموار می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۶). مرکز تربیت معنوی روح و دل آدمی است و دقیقاً آنچه تربیت معنوی با رویکرد دینی را از رویکردهای غیردینی جدا می‌سازد، توجه به اهمیت و جایگاه ویژه روح آدمی است. در اندیشه دینی، روح سرچشمه‌ای الهی دارد و از کرانه ملکوت است و تنها در صورتی که در چارچوب آموزش‌ها و دستورکارهای دینی قرار گیرد، می‌تواند درون‌داشته‌های خود را شکوفا سازد (سلحشوری، ۱۳۹۰، ص ۵۴).

به واقع این چارچوب همان تربیت معنوی است که آثار فراوانی را در زندگی شخص فراگیر پدید می‌آورد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– **حفظ کرامت و بزرگ‌منشی:** این مسئله امری درونی بوده و با فطرت انسانی پیوند خورده که البته در گرو اخلاق‌گرایی است (آمدی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۱).

– **درک معناداری زندگی:** بی‌شک یکی از نیازها و پرسش‌های اساسی انسان امروز، معنای زندگی است. انسانی که در دستگاه تربیت معنوی (دینی) قرار می‌گیرد، با باورمندی به تجرد و جاودانگی روح و نیز وجود عالم فراماده، زندگی را در ماده منحصر نکرده و برای خود فرجامی متعالی در نظر می‌گیرد.

– **مصونیت از آسیب‌های زیست‌دنیوی:** روشن است که لذت معنوی، خود عاملی بازدارنده و طردکننده آفات زندگی در دوران پرآشوب کنونی است.

– **توجه به بهبودی جامعه:** پرهیز از بی‌توجهی نسبت به هم‌نوعان و کمک به آنان در راستای خودسازی از ویژگی‌های برون‌فردی تربیت معنوی است.

– **آرامش و سلامت روح و روان:** از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار تربیت معنوی است که انسان معاصر بیش از هر دوره‌ای در پی آن است. اگر توجه انسان به خدای یگانه جلب شود - به گونه‌ای که جز او را شایسته پرستش نداند و مالک خود را تنها خداوند بداند - گرفتار گناهان که زاینده بیماری‌های روحی - روانی است، نشده و دچار نابسامانی و روان‌گسیختگی روحی نخواهد شد (پروا، ۱۳۸۰، ص ۶۹).

– **مدیریت خواسته‌های درون:** پرواضح است که بدون این خصیصه، هیچ‌گاه نمی‌توان به آرامش برخاسته از قرب الی الله دست یافت. تربیت معنوی، هوس‌ها و غرایز را به‌منظور پیشبرد اهداف انسانی در اختیار شخص فراگیر قرار می‌دهد (میرعرب، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷-۲۴۴).



شکل ۱. روح در دستگاه تربیت معنوی

روش پژوهش

در این مقاله از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این رویه، ضمن تشریح و تبیین واژگان کاربردی پژوهش یعنی معنویت و تربیت معنوی، به تحلیل، طبقه‌بندی و استنباط ویژگی‌هایی خاص از متون روایی رضوی پرداخته شده و معانی آشکار و پنهان واقع در آن در سویه تربیت معنوی و نیز آرامش روحی هویدا شده است (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱). براین اساس رویکردمان در روش قیاسی است؛ بدین شکل که با مفروض انگاشتن پاره‌ای از مفاهیم و تعاریفشان به‌عنوان طبقات (معنویت دینی و مؤلفه‌های آن به‌عنوان بنیادهای تربیت معنوی)، در پی مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در پهنه متون روایی بوده‌ایم (فردان‌ش، ۱۳۸۷، ص ۹). با کاربست این رویکرد مشاهده کردیم که در بینش، منش و کنش رضوی، روش‌های تربیتی‌ای وجود دارد که در عرصه رشد معنوی و دستیابی به آرامش برخاسته از درون بسیار سازنده است. این روش‌ها دقیقاً بر بنیادهایی استوارند که در گستره معنویت دینی لحاظ می‌شوند. با حساسیت نظری‌ای^۱ که در این نوشتار به کار بردیم، داده‌های پژوهش را مورد مذاقه قرار دادیم تا شناختی جامع از آن‌ها به‌دست آوریم. با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی، هیچ دو پژوهشگری نتایج یکسانی به دست نمی‌آورند، با توجه به پیشینه ذهنی (فلسفی - عرفانی) نگارنده، پاره‌ای از یافته‌های پژوهشی خود را با مبانی مستحکم و رصین حکمت متعالیه و عرفان اسلامی تبیین نمودیم؛ چراکه اساساً اوج شکوفانی معنویت، در ساختار و بافتار عرفانی و نگرش‌های ادق حکمی صدرایی امکان‌پذیر است. براین اساس مسئله عین‌الربطیت وجودهای امکانی و به‌تعبیری ژرف‌تر، وابستگی محض نموده‌ها و تجلیات الهی را، محور و ملاک تفسیرهای خود در تحلیل روش‌های تربیتی رضوی در گونه معنوی آن به‌شمار آوردیم.

یافته‌های پژوهش

معرفی و مطالعه شیوه‌های تربیتی (براساس بینش، منش و کنش رضوی)

رسیدن به آرامش روحی که یکی از اهداف زیست معنوی جهان امروز است، تنها از راه آموزش متناسب با روح و فطرت خدای‌گونه انسانی امکان‌پذیر است. از آنجاکه موضوع این نوشتار تربیت معنوی در فرهنگ رضوی است، پرسش اساسی این است که امام رضا (ع) که مطابق با روایات وارده در نهایت آرامش به سر می‌بردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۰)، چه شیوه‌های تربیتی‌ای را در زیست معنوی

۱- Theoretical sensitivity

خود برگزیده بود تا برای رسیدن به آرامش روح و اطمینان نفس، الگوی همگان قرار گیرد؟ بدین منظور بایسته است تا بینش، منش و کنش ایشان را مورد مطالعه قرار دهیم. به طور کلی شیوه‌های تربیتی‌ای که در این راستا از فرهنگ رضوی قابل استخراج است، از این قرار است:

۱- خداباوری / خداگرایی

۲- خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی (خالق‌محور و مخلوق‌محور)

۳- افزایش آستانه تاب‌آوری در برابر تلخ‌کامی‌ها

۴- کم‌توجهی به دنیا

لازم به یادآوری است که نخستین شیوه، دربردارنده دو رویکرد بینشی (مقام فهم و نظر) و یک رویکرد کنشی (مقام عمل) است. رویکرد نخست خداباوری شامل طرح استدلال و اندیشه‌ورزی در آفرینش الهی و رویکرد دوم واگذاری امور و فرایند زندگی به حق تعالی است که خداگرایی را در مرحله باور تقویت می‌کند. اما رویکرد سوم خداباوری که مقوله نیایش و یاد خداست، اگرچه با ذکر قلبی و در مرحله ذهن و درون نیز صورت می‌پذیرد، ولی بیش از همه به مرتبه زبان و اعمال جوارحی و جوانحی که به کنش آدمی ارتباط دارد، وابسته است. شیوه تربیتی دوم نیز از دو رویکرد تشکیل شده است؛ زیرا در آموزه‌های شیعی، داشتن نگرش مثبت و مناسب، هم در سویه خواست و فعل الهی مطرح است و هم در سویه نیت و کردار و کنش‌های انسانی جریان دارد.

۱- شیوه خداباوری / خداگرایی

پژوهش‌های حوزه تربیت معنوی با رویکرد دینی، گویای آن هستند که از آنجاکه عنصر محوری در دستگاه معرفتی دین، حق تعالی - به عنوان هستی‌بخش و آفریننده موجودات - است، معنویت تنها در ارتباط با وجود او سودمند است و بدیهی است که پیوند با او به عنوان یک امر متعالی و مقدس، کانون اصلی معنویت شمرده می‌شود (باغکلی، شعبانی، غفاری و نهاروندی، ۱۳۹۱، ص ۳). اساساً آغاز و پایان معنویت در اسلام به خداوند می‌انجامد و مهم‌ترین گام در معنویت اسلامی و داشتن زیست معنوی، پذیرش موجودی برتر به عنوان آفریدگار جهان است.^۱ در دستگاه تربیت معنوی اسلام، خداباوری به شدت با اندیشه‌ورزی و استدلال‌گرایی پیوند دارد و از آنجاکه از تفکر در ذات و کیفیت هستی حق خودداری شده است، اندیشه‌ورزی در سامانه آفرینش الهی با استدلال‌های عقلی، علمی، نقلی و ترکیبی از آن‌ها، بسیار سفارش شده و می‌تواند سبب تقویت خداگرایی در مرحله بینش و باور شود.

۱- هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (حدید، ۳).

الف - رویکرد بینش محور «۱»: اندیشه‌ورزی در سامانه آفرینش

طرح روش استدلالی کلامی - فلسفی (از راه سیر از معلول به علت و عین الربطیت معلول)

آگاه‌سازی شخص فراگیر در تربیت معنوی نسبت به اندیشه‌ورزی در فعل الهی که همان سیر از معلول به علت و ساختار برهان‌انی منطقی - فلسفی است، روشی بسیار سازنده و اثرگذار در مسیر تربیت معنوی شمرده می‌شود. فعال‌سازی قوه عاقله انسان که در پی نیک‌بختی و لذت جاودان و پایدار است، او را در برابر خواسته‌های کوتاه‌مدت و لذایذ گذرا که سبب ماندن در مرتبه حیوانی و توجه بیش از حد به عالم ماده می‌شود، مقاوم می‌کند (میرعرب، ۱۳۹۲، ص ۲۱۳). در نگرش تربیتی رضوی، اندیشیدن در آفرینش الهی، افزایش معرفت به پروردگار و حکمت‌های نهفته در خواست و فعل او را به همراه دارد. امام رضا (ع) می‌فرماید: «عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه بسیار اندیشیدن در امر خداوند است» (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۶). همچنین ایشان بر این باورند که: «از آفرینش خدا، به وجود او پی برده می‌شود و با خردها (هستی او) شناخته می‌شود» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۵). از آنجاکه گاه ممکن است انسان از رخدادها و بلایای طبیعی افسرده شود و در سویی دیگر، از نرسیدن به اهداف جزئی و کلان دنیوی سرخورده شود، تأمل در سامانه آفرینش و درنگ در رموز هستی، فروتنی خرد در برابر عظمت نامنتهای الهی و خواست و اراده او را برای وی ارمغان می‌آورد.

۱- برهان نظم

امام رضا (ع) در مناظره‌ای که با یکی از مادی‌گرایان زمان خود داشتند، از شیوه تأمل در آفرینش سود جست و با کاربست برهان نظم و استدلال علمی، مخاطب خود را به آفریدگار هستی رهنمون ساختند: «من چون به بدن خود نظر افکندم و امکان کم و زیاد کردن در آن و نیز دفع زیان‌ها و جلب منافع را برای آن در خود نیافتم، دانستم که این بنیان و ساختمان را سازنده‌ای است و بدین‌سان به وجودش اقرار کردم. افزون بر اینکه می‌بینم گردش افلاک به قدرت او و پیدایش ابرها و حرکت باده‌ها و جریان خورشید، ماه و ستارگان و دیگر نشانه‌های شگفت‌آور و در عین حال روشن را به دست او یافتم، دانستم که از برای تمام این‌ها، گرداننده و پدیدآورنده‌ای وجود دارد» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۰).

۲- برهان حدوث

در گفت‌وگویی دیگر، امام در پاسخ به شخصی که برهان بر حدوث جهان را مطالبه می‌کند، می‌فرماید: «تو نبودی، سپس پدید آمدی و تو خود میدانی که نه تو خود خویش را ایجاد کردی و نه کسی چونان تو، تو را هستی بخشیده است» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۴). بی‌دلیل نیست که امام رضا (ع) عقل را

که ابزار اندیشه‌ورزی است موهبت الهی می‌داند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۲)؛ چراکه کارکرد آن را مایه‌زدایش اندوه و تحمل گرفتاری‌ها و دشواری‌ها قلمداد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۹۳). آری این عقل است که کاریست آن در سیر معنوی سبب باور به عالم معنا و متافیزیک و حرکت به سوی آن می‌شود. در اینکه حضرت استدلالی کلامی در آفرینش هستی ارائه کرده و گزاره «تو نبودی و سپس پدید آمدی» را به کار می‌برد، عقل را بدین سو می‌کشاند که وجود انسان و دیگر پدیده‌های موجود، عین ذات آن‌ها و به تعبیر حکمی واجب‌الوجود نیست؛ بلکه وجودی امکانی است که سراسر او را ناداری و وابستگی فراگرفته است. به سخنی ژرف‌تر، تمام وجود ماسوی‌الله عین فقر و ربط است و موجودی این‌چنین، حتی برای یک لحظه توان جداانگاری ذات خود از حق تعالی را ندارد. موجود حادث پیش و پس از وجود، «نیست» است و آنگاه که از هستی هم برخوردار است، هستی «وابسته» است. این وابستگی وجودی که در کل سامانه آفرینش نهادینه شده، در دستگاه تربیت معنوی رضوی چند پیامد در پی دارد:

- تصمیم‌گیری در امور زندگی و انجام کارها نمی‌تواند صرفاً فی‌نفسه و از جانب خود صورت پذیرد؛ همان‌گونه که برهان «فسخ عزائم» آن را به اثبات رسانیده است.

- علل و عواملی که بیرون از وجود انسان در تحقق افعال و رخدادها اثرگذار هستند، جملگی در سیطره اراده الهی بوده و «فاعل بالتسخیر» شمرده می‌شوند.

گواه نقلی بر آنچه گفته شد، قاعده‌ای عقلی از امام رضا (ع) است: «کل قائم فی سواه معلول» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۶). معلول شأنی از خود ندارد، جز آنکه عین‌الربط است و اگر از جهتی علت هم قرار گیرد، تنها واسطه و مجرای فیض دانسته می‌شود. ازسویی واسطه بودن نیز صفت مشترک میان تمامی مراتب علی در جهان هستی است. این رهیافتی است که عقل در الگوی تربیتی رضوی در راستای تعالی معنوی خود یافته و برپایه آن به رویکرد دوم از خداگرایی یعنی واگذاری امور زندگی به یگانه هستی خود استوار و مختار عالم نزدیک می‌شود.

ب - رویکرد بینش محور «۲»: واگذاری امور و فرایند زندگی به خداوند

طرح روش توکل‌گرایی با نگرش عارفانه (تبیین فقر وجودی و وابستگی محض به پروردگار)

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تربیت معنوی، برخورداری از قدرت روحی و روانی بالاست. در برنامه تربیتی رضوی، «توکل» شخص فراگیر را از این ویژگی به نیکی بهره‌مند می‌گرداند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۴۳).

۱- من اراد ان یکون اقوی الناس فلیتوکل علی الله.

علت این پیامد باتوجه به مباحث مطرح در رویکرد پیشین روشن است؛ زیرا از نگرگاه عرفانی، هستی و کمالات آن، جز از یکی و برای یکی بیش نیست و هر آنچه از موجودات، صفات و کمالات وجودی به چشم می‌آید، نمود و بازتابنده همان یگانه هستی مطلق است و صفات کمالی و جمالی آن شمرده می‌شود. بدیهی است که «نمود» غیر از «بود» است؛ به این معنا که هیچ حکم و ویژگی‌ای را نمی‌توان برای او در نظر گرفت؛ جز فقر و ربط محض به آنچه «بود» شناخته می‌شود. انسان با چنین ساختاری برای زیست این جهانی خود، اساساً راهی جز اتکال به موجود برتری که جامع جمیع صفات کمالی و جمالی و غنی و قادر مطلق است، ندارد. اهمیت این مسئله در آموزه‌های رضوی (ع) تا آن اندازه است که خداوند مالک حقیقی مردم، اموال و تمام دارایی آن‌ها دانسته شده و آنچه در دست مردم است، عاریت قلمداد شده است (حکیمی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۱). بر این اساس معلوم است که رویگردانی از توکل به حق - تعالی، فروکاهش قدرت روحی - روانی را در زندگی در پی دارد و به عکس، سپردن فرایند زندگی به خاستگاه آفرینش - البته با حفظ مسئولیت‌پذیری در انجام امور زندگی - تعالی و قدرت روحی را به ارمان می‌آورد. مقوله توکل در بینش رضوی (ع) چند مشخصه نیز دارد:

۱- اعتماد به خداوند در هر کاری که مربوط به انسان و از سوی انسان است.
 ۲- خشنودی و خرسندی به آنچه خداوند نسبت به انسان انجام می‌دهد و آگاهی از اینکه او جز خیر برایش نمی‌خواهد.

۳- باور به این مسئله که حکمت در این است که کارها به حق تعالی واگذار شود.
 ۴- باور به اینکه پروردگار عالم، داننده همه غیب‌ها بوده و علم ما این مسئله را هیچ‌گاه درک نخواهد کرد. همچنین ایمان به اینکه علم آن تنها مخصوص خداوند است (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۴).

در توضیح بندهای دوم و سوم، از امام رضا (ع) (از زبان حق تعالی) چنین آمده است:
 «سوگند به عزت و جلالم و بلندی مقامم؛ بنده‌ای خواسته مرا بر خواسته خویش ترجیح نمی‌دهد، مگر اینکه بی‌نیازی‌اش را در قلبش و همتش را در آخرتش قرار دهم، تنگ‌دستی او را کفایت کنم و آسمان‌ها و زمین را ضامن رزق او کنم و خود برای تأمین حاجت او هستم و دنیا در کمال نرمی به سوی او خواهد آمد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۷۸).

بر همین اساس علامه طباطبایی زیست معنوی را زندگی همراه با قرب و مشاهده حق تعالی - که بندگی و اخلاص از لوازم و شرایط آن شمرده می‌شود - دانسته است (رخشاد، ۱۳۸۴، ص ۳۴۴). این سخن، مفسر و مبین این دیدگاه است که هدف تربیت معنوی می‌باید زیستن براساس خواست و اراده الهی باشد، نه خواسته‌های نفسانی و غیرالهی خود و دیگران (باغکلی، شعبانی، غفاری و نهبانندی، ۱۳۹۱، ص ۲۱). اما چرا زندگی برپایه خشنودی به خواست خداوند و قضای او، امری اجتناب‌ناپذیر در زیست معنوی است؟

«رضا» به معنای خرسندی در برابر «سَخَط» (ناخرسندی) و در اصطلاح ترک اعتراض بر مقدرات پروردگار در درون و برون و در گفتار و کردار است (نراقی، ۱۳۶۲، ص ۴۷۹). روشن است که امام هشتم (ع) خود به این صفت ملقب هستند و یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین دلایل انتخاب این عنوان برای ایشان این بوده که امام (ع) به خشنودی خداوند رضایت داشت و این ویژگی ارزشمند را که مقامی برتر از مقام شکیبایی است، به‌گونه کامل دارا بوده و بر مشکلات پیچیده عصر خود با شکیبایی و متانت چیره شده بود (محمدی/شتهاردی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). این شیوه به انسان می‌فهماند که نگرش ما به مسائل و رخدادها باید مثبت باشد؛ به‌گونه‌ای که هم خوشی‌ها را خوبی بدانیم و هم ناملایمات را خیر به‌شمار آوریم و چنین بباییم که رویدادهای خوش زندگی خیر آشکار است و ناخوشی‌های آن خیر پنهان؛ زیرا اگرچه ظاهر آن ناپسند است، اما در حقیقت به‌سبب مصلحت نهفته آن خیر است (اخوان/ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶). همچنین امام رضا (ع) در جایی دیگر، ارکانی برای ایمان برمی‌شمارند که در آن از توکل سود جسته است:

«ایمان چهار رکن دارد: توکل به خدا، راضی بودن به قضای الهی، تسلیم بودن به امر او و واگذاشتن تمام کارها به خداوند» (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۴۴۵).

ج - رویکرد گنش‌محور: یاد خدا و نیایش

طرح روش با محوریت مقابله با گناهان و بازدارندگی در برابر آسیب‌های سلامت قلب و روح

یاد خدا و مناجات در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در توجه و کاربست آن سفارش فراوان شده است. امام رضا (ع) به شیعیان سفارش می‌کرد که از دعا کردن خسته نشوند که دعا در نزد خدا جایگاهی بس والا دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۱). امام (ع) حتی در کاربرد این شیوه، از آن‌سان که گاه برآورده شدن خواسته‌ها با دیرکرد و به‌سختی محقق می‌شود، سفارش می‌کنند که مبدا در چنین شرایطی نومیدی بر انسان چیره شود. ظهور رویکرد پیش‌گفته در شیوه کنونی نیز به روشنی مشهود است:

باید به گفتار خداوند بیشتر اطمینان داشته باشی. چراکه خدا به وعده خود وفا می‌کند و می‌فرماید: از رحمت خدا نومید نشوید (زمر، ۵۳). بنابراین اعتماد تو به خدا باید بیشتر از دیگران باشد و در خانه دل را به راه یافتن چیزی جز خوبی نگشایی و همیشه در شما حالت امیدواری باشد که خداوند فرموده است: هرگاه بندگان مرا بخوانند، پس من نزدیکم و خواسته دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۸۸).

دلیل اینکه چرا نیایش و یاد خدا تا این اندازه در تقویت معنویت و حصول آرامش روحی - روانی موثر است را همچنان باید در آموزه‌های رضوی جست‌وجو کرد. امام (ع) بر این باور است که نیایش سودمندی دوسویه دارد: نخست اینکه سبب تقویت خداگرایی و استمرار یاد خدا در ساعات زندگی روزینه می‌شود تا انسان، مدبر و آفریدگار خویش را فراموش نکند. از سویی یاد پروردگار، انسان را از معاصی باز می‌دارد و مانع بروز هرگونه فساد در زیست معنوی او می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴). پژوهش‌های سلامت معنوی با رویکرد قرآن و حدیث در عرصه آسیب‌شناسی ثابت کرده‌اند که فساد و گناه، اصلی‌ترین موانع سلامت قلب و معنویت‌اند و در فرایند بهبودی معنوی انسان، درست‌دربرابر عبادت و نیایش قرار می‌گیرند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، صص ۲۳۳-۲۱۱). غزالی بر این باور است که هر عضوی از بدن برای انجام کاری که مختص آن است آفریده شده است؛ به‌گونه‌ای که اگر نتواند آن را انجام دهد، نشان از بیماری آن عضو دارد. قلب آدمی نیز کانون سلامت معنوی و خاستگاه اموری است که اگر از عهده انجام آن‌ها برنیاید، بدون شک بیمار است. رسالت و مأموریتی که متوجه قلب است، شامل دانش، حکمت، دوستی و بندگی خداوند و لذت بردن از نیایش یا اوست (غزالی، ۱۳۵۱، ص ۱۱۴). براین‌اساس آنچه از الگوی تربیتی رضوی به دست می‌آید این است که حصول آرامش معنوی در داشتن قلب سالم و پاک و سلامت قلب نیز در گرو نیایش و یاد خدا در زندگی این‌جهانی است. به سخنی دیگر، نیایش، آغازگر رسیدن به آرامش و آرامش فرآورده نیایش است و هر دو به یک کانون که قلب آدمی است وابسته هستند.

۲- خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی

یکی از شیوه‌های تربیتی امام رضا (ع) که در دوران معاصر به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان شاخه‌ای از روان‌شناسی (روان‌شناسی مثبت) نیز قرار گرفت، داشتن نگرش مثبت به زندگی است. یکی از راه‌های پیدایش آرامش و آسایش، اصل آسان‌گیری در فرایند زندگی است. تجربه نیز گواهی می‌دهد که راحتی و دشواری زندگی تا حد زیادی به نگرش انسان بسته شده است. بی‌تردید خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، روشی برای بازگرداندن توجه از ناخوشی‌ها به خوشی‌های زندگی است. در این روش، امور آرامش‌زا به‌ویژه توجه به حق تعالی، کرم و الطاف عام و خاص او، بر ساحت روان انسان جاری گشته و از شدت رنج او می‌کاهد. در آموزه‌های رضوی، این شیوه در دو سویه «خالق‌محور» و «مخلوق‌محور» شایان مطالعه است.

الف - طرح روش خالق محور

در بینش رضوی (ع)، داشتن گمان نیک به خداوند بسیار سفارش شده است. خداوند خود در این باره می‌فرماید: «من نزد گمان بنده مؤمن خویشم. اگر گمان او به من نیک باشد، مطابق آن گمان با او رفتار می‌کنم و اگر بد باشد نیز مطابق همان گمان با او رفتار خواهم کرد» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۷). از متون دینی دانسته می‌شود که توجه و باور به برخی امور می‌تواند موجب تقویت و تحقق خوش‌بینی به وجود اقدس پروردگار شود:

- پیشی داشتن رحمت، فضل و کرم الهی در سنجش با خشم او.

- اعطای خیر دنیا و آخرت به شخصی که امیدش به خدا و به او خوش‌گمان است.

- گرم الهی و اینکه خیرات به دست اوست و حیا دارد از اینکه بنده‌اش به او گمان نیک برد و او خلاف گمان وی رفتار نماید.

- امیدواری به خداوند در عین ترس از گناهان خود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۶۶؛ کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۷۴ و ۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳۰).

همچنین در الگوی تربیتی رضوی، تحقق عمل پسندیده سبب بروز حالتی خوشایند در انسان می‌شود و از سویی دیگر، پیدایش فعل ناشایست نیز موجب نومیدی از رحمت الهی و پریشان‌حالی مستمر وی نمی‌شود؛ چراکه در این الگو، «توبه و استغفار» از ابزارهای بازسازی و به‌سازی روح شمرده می‌شوند و همین عاملی برای خوش‌گمانی به حق تعالی است. اساساً امام رضا (ع)، مؤمن را کسی می‌داند که وقتی نیکی کند، شادمان شود و وقتی بدی کند، استغفار می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۶۵). از گفتار امام (ع) سه مسئله به دست می‌آید:

- خوش‌بینی به رحمت حق تعالی، آرامش روانی، نجات از بیماری‌های روحی برخاسته از گناهان و سلامت اخروی را به همراه دارد.

- کسی که به خداوند نیک‌گمان باشد، به بهشت دست می‌یابد (صدوق، ۱۴۰۷، ص ۴۳۰).

- به‌یقین خوش‌بینی، آسایش دل و سلامتی دین را تضمین می‌کند (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۳؛ اخوان ارمکی و نعلچی، ۱۳۹۳، صص ۱۶۴-۱۶۲ با اندکی تصرف و افزوده).

ب - طرح روش مخلوق محور (هم‌نوعان)

اما سوی دیگر این شیوه، نیک‌نگری به هم‌نوعان است. داشتن نگرش مثبت به انسان‌ها به این معناست که آدمی در ارتباط خود با دیگران، کینه‌ها را از دل بزدايد و از لغزش‌های آنان چشم‌پوشی کند. امام رضا (ع) بر این باور است که عقل آدمی کامل نمی‌شود، مگر آنکه در او چند خصلت باشد:

- امید خیر در او باشد و (مردم) از شر او ایمن باشند.
 - خوبی کم دیگران را نسبت به خود زیاد و خوبی فراوان خود نسبت به آنان را کم بشمارد.
 - اگر دیگران از او چیزی خواستند، خسته و درمانده نشود (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۴۴۳).
 در فرهنگ رضوی (ع) مردم دو گونه هستند: کسانی که بهتر و پرهیزکارتر از انسان‌اند و کسانی که بدتر و پست‌ترند. پس هرگاه (انسان) متربی، شخصی را که بدتر از اوست ببیند، نیک‌نگری و مثبت‌اندیشی او موجب می‌شود تا در ذهن خود چنین برداشت کند که بسا خوبی‌های او پنهان و برای او بیشتر است و خوبی‌های من آشکار، اما برای من شر است. همچنین آنگاه که کسی را دید که در پرهیزکاری بهتر از اوست، در پیشگاهش فروتنی می‌کند، تا اینکه به وی ملحق شود. وقتی این کار را کرد، عظمتش بیشتر، شهرتش بهتر و سرآمد اهل زمان خود خواهد شد (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۴۴۵).

۳- شکیبایی و افزایش آستانه تاب‌آوری

طرح روش براساس فقدان آسایش مطلق در زیست این جهانی

یکی از بایسته‌های معنویت‌گرایی که انسان معاصر باید در خود نهادینه سازد، تاب‌آوری در برابر تألمات و ناملایمات زندگی است. یکی از شرایط دشواری که امام رضا (ع) خود با آن روبه‌رو بودند، زمانی بود که مأمون، آن بزرگوار را به خراسان دعوت کرد. آنگاه که هنگامه جدایی آن حضرت از فرزندش حضرت جواد (ع) فرا رسید، ایشان با دلی استوار و مطمئن به قضا و قدر الهی، این رنج روحی را تحمل کرد. شکیبایی آن حضرت در دوره خلافت مأمون در برابر سیاست‌های مرموز و پشت‌پرده او به‌ویژه جریان ولایتعهدی، گستره صبر و تحمل آن حضرت را روشن می‌کند. افزون بر این، در تاریخ زندگی امام (ع) ثبت شده که در دوران حبس پدز بزرگوارشان، همواره سعه‌صدر از خود نشان می‌داد و مراقب اهل و عیال امام کاظم (ع) بود. شکیبایی در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند، خود ماجرای دیگر دارد. حضرت (ع) در برابر دهن‌کجی‌های دیگران خاموشی را ترجیح می‌دادند. استدلال ایشان را در این شیوه می‌توان چنین دانست:

«مؤمن، مؤمن نیست، مگر اینکه سه خصلت داشته باشد: سنتی از پروردگارش، از پیامبرش و از ولی‌اش. اما سنت از پروردگارش کتمان سرّ اوست. سنت از پیامبر، مدارا کردن با مردم است که خدای عزوجل پیامبرش را به مدارا با مردم امر کرده و فرموده: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» (اعراف، ۱۹۹). همچنین سنت از ولی، شکیبایی در سختی‌ها و مشکلات است» (طبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۲۴۱).
 نکته شایان توجه این است که شکیبایی در برابر تلخ‌کامی‌ها و دشواری‌ها، ویژگی بهترین بندگان خداست. امام رضا (ع) بهترین انسان‌ها را چنین معرفی کرده است:

- کسی که هرگاه به او عطایی شود، شکرگزاری کند و چون به او بلایی رسد، شکیبایی ورزد.
- کسی که هرگاه خشمگین شود، از موقعیت ایجادشده گذر می‌کند (کاربست شکیبایی) (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۶۳).

یکی از لوازم مهم در پذیرش و کاربرد شکیبایی در زندگی، باورمندی به این حقیقت است که آسایش برای دنیا و زیست این جهانی قرار داده نشده است. در این راستا شخصی از امام رضا (ع) می‌پرسد: روزت را چگونه آغاز کردی؟ حضرت فرمود: با عمری که کوتاه است، عملی که ثبت می‌شود، مرگی که اطراف ماست و آتشی که پشت سر ما قرار دارد و نمی‌دانیم با ما چه خواهد کرد» (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۴۴۶). آنچه از این سخنان به دست می‌آید، فقدان آسایش و راحتی مطلق در زیست دنیوی است. خداوند به موسی بن عمران (ع) نیز وحی فرستاد که: ای موسی، من آسایش مطلق را در بهشت قرار داده‌ام. در حالی که بندگان من در این دنیا در جست‌وجوی آن هستند و هرگز به آن نخواهند رسید (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۵۰). این روایات تربیتی به‌گونه مستقیم، پذیرش دشواری‌ها و ناگواری‌های زندگی دنیوی را یادآوری می‌کند. اهمیت این روش تربیتی تا آن اندازه است که امام رضا (ع) شکیبایی را از ارکان ایمان قلمداد کرده است:

«هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را به کمال نرساند، مگر اینکه در او سه ویژگی باشد: در دانش دین بصیرت یابد، در زندگی اندازه نیکو نگه دارد و بر بلایا شکیبایی ورزد» (حرانی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۹).

ایمان و شکیبایی هر دو از شاخصه‌های مثبت شخصیتی انسان در نگرگاه دینی شمرده می‌شوند. یادآوری این نکته حائز اهمیت است که واژه صبر و تاب‌آوری، از آن روی که در خود معنای حبس کردن و در تنگنا قرار دادن را جای داده‌اند، «حبس نفس» در برابر عمل به مقرراتی است که عقل و شرع آن‌ها را معتبر می‌شمارند یا ترک آموزی است که آن دو جایز نمی‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۳۰۲). از این روی تحقق این ویژگی در زندگی به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و بی‌جهت نیست که در برخی روایات، از صبر به عنوان قله و نوک ایمان یاد شده است (نهج‌البلاغه، ج ۸۲).

۴- کم توجهی به دنیا

طرح روش بر پایه ناپایداری جهان طبیعت

در نگرش رضوی (ع) به جهان ماده، آن را سرایی آکنده از شر و بدی می‌یابیم که تنها به‌سبب زهد و بی‌رغبتی به آن، نجات از آن امکان‌پذیر است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۹). روایات فراوانی حاکی از آن است که اما رضا (ع) حتی زمانی که خود ولیعهد خلافت بودند، با پارسایی و ساده‌زیستی زندگی

می‌کردند. سخن اباصلت هروی که «او غذایی ساده و خوراکی اندک داشت» یک نمونه از این اخبار است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۶؛ *اخوان‌ارمکی و نعلچی*، ۱۳۹۳، صص ۱۷۰-۱۷۱).

یکی از ویژگی‌های انسان‌های معنوی، بی‌میلی آن‌ها به دنیا و جلوه‌های آن است. شخصیت دوست‌دار دنیا در نگاه امام رضا (ع) به‌گونه‌ای است که دیگر ترس آخرت را از دل بیرون رانده است. چنانچه محبت دنیا در دل انسان افزایش یابد، پیامد آن دوری از خدا و فزونی خشم الهی است (حرانی، ۱۳۶۷، ص ۴۶۶). یکی از دلایل کمبود و نبود آرامش در زیست این جهانی، دلبستگی به امور دنیوی در عین علم به ناپایداری آن است. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید:

«در شگفتم چگونه کسی که دنیا را آزموده و دگرگونی‌های آن را به چشم خود دیده، همچنان دل به آن بسته است؟» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۵۰).

باتوجه به چنین وضعیتی، رها شدن از دنیا یا همان قناعت، می‌تواند آرامش را برای انسان به ارمغان آورد. انسان قانع در آرامش است؛ چراکه نگران روزی نیامده نیست. به‌واقع برانگیخته شدن خوی قناعت، محرکی است که شرایط ناهموار زندگی را برای انسان هموار می‌سازد. امام رضا (ع) سرنوشت کسی را که جز به روزی زیاد بسنده نمی‌کند، عمل بسیار می‌داند و هرکس را که به روزی اندک بسنده نماید، عمل اندک را برای او کافی می‌داند؛ به‌گونه‌ای که کمتر وسیله دنیا او را بی‌نیاز ساخته و خدا نیز به عمل اندک او با داشتن روحیه قناعت خرسند است (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵). در روایتی، امام (ع) از زبان پدران بزرگوار خود می‌فرماید:

«در یکی از جنگ‌ها، گروهی را نزد حضرت ختمی مرتبت (ص) بردند. ایشان پرسید: این مردم کیستند؟ پاسخ دادند: گروه مومنان‌اند. حضرت پرسید: ایمان شما در چه مرحله‌ای است؟ پاسخ دادند: بردباری هنگام بلا، سپاسگزاری در وقت رسیدن نعمت و خشنودی به قضا و پیشامد الهی. حضرت فرمود: این صفاتی که برشمردید، نشانه‌های خویشتن‌داران اهل دانشی است که از فزونی دانش به درجه پیامبران نزدیک شده‌اند. اگر واقعاً این‌گونه که گفتند هستید، پس ساختمانی را که در آن سکونت نمی‌کنید، نسازید و چیزی را که نمی‌خورید، جمع نکنید و از خدایی که به‌سوی او بازگشت می‌کنید، پروا نمایید» (طبرسی، ۱۳۶۴، ج ۱، صص ۹۳-۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

شیوه زیست معنوی در فرهنگ رضوی از معدود مسائل پژوهشی معاصر است که مورد توجه برخی پژوهندگان قرار گرفته است (*اخوان‌ارمکی و نعلچی*، ۱۳۹۳). این مهم از آن روی شایان توجه است که معنویت مایه آرامش در زندگی است و از کلیدواژه‌گان زندگی انسان معاصر شده است. آنچه به‌عنوان تربیت معنوی در بینش، منش و کنش رضوی شناخته می‌شود، دربردارنده بنیادهایی است که در این

مقاله معرفی شده است. روش‌ها و شیوه‌هایی که در فرهنگ رضوی و برپایه بنیادهای طرح شده استخراج و استنباط شده نیز به‌گونه تفصیلی مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته است. از شیوه‌های چهارگانه تربیت معنوی در فرهنگ رضوی (ع)، چند نکته اساسی به دست می‌آید:

۱- تربیت معنوی هم نیازمند عقلانیت (دینی) و کاربست اندیشه‌ورزی است و هم نیازمند کاربست دستورکارهای شرعی و اخلاقی.

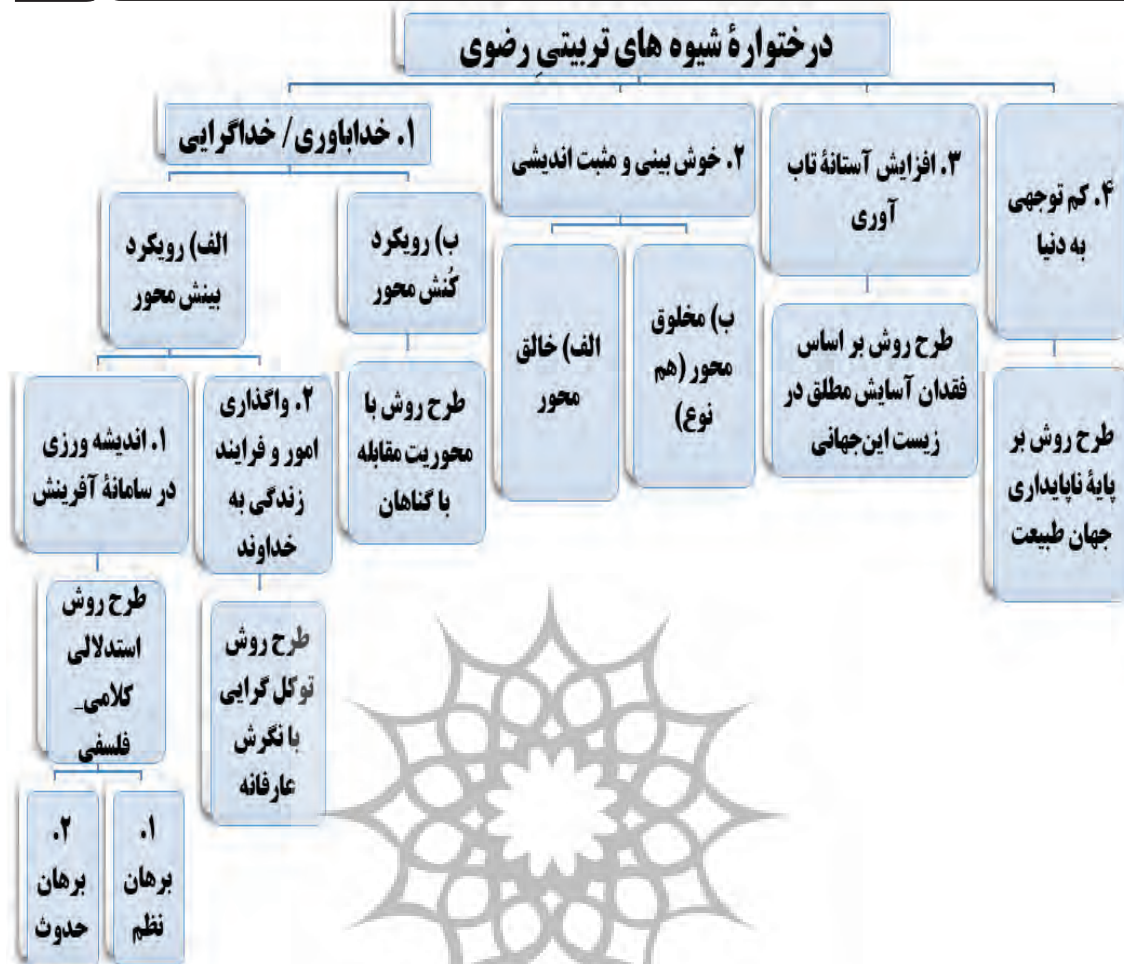
۲- آنچه به‌عنوان سرسلسله معنویت دینی و تربیت معنوی قلمداد می‌شود، وجود امر قدسی و توجه حداکثری به این حقیقت است. امر قدسی یا پروردگار هستی اصل و اساس در معنویت‌های دینی شمرده می‌شود و گرایش و توجه به او عامل تقرب جستن و خدایی شدن انسان است.

۳- مثبت‌اندیشی و نگرستن به نیمه پر لیوان در دوران معاصر و زمانی که به‌علت پیدایش پیامدهای تلخ و ناگوار جنگ‌های جهانی راهی برای بهبود دردهای انسان مدرن یافت نشد، بسیار پراهمیت شده است. اما در فرهنگ ۱۴۰۰ ساله شیعی، این آموزه از پیش، راه‌گشای روزهای سخت بشری معین و مقرر شده بود.

۴- دستیابی به آرامش معنوی به‌معنای داشتن راحتی مطلق نیست؛ بلکه گاه در میان پریشانی‌ها و فراز و فرودهای زندگی می‌توان آرامش معنوی را یافت. این مسئله بدان جهت است که در آموزه‌های رضوی بر فقدان آسایش مطلق در جهان تأکید شده و زمینه آمادگی در برخورد با سختی‌ها و ناملایمات زندگی تذکر داده شده است.

۵- از آنجاکه قلب انسان کانون معنویت شمرده می‌شود، بدیهی است که گرایش بیش از حد به طبیعت ناپایدار و جهان ماده، او را از پرداختن و توجه به امور متعالی و پایدار باز نگه می‌دارد. براین اساس در میزان توجه به طبیعت و ماوراء طبیعت یک رابطه تلازمی برقرار است. بنابراین نمی‌توان در پی آرامش درون بود، اما وابسته و دلبسته جهانی بود که عامل و مرکز بی‌قراری و آرامش‌زدایی است.

پژوهش در حوزه تربیت معنوی اگرچه بی‌پیشینه نیست و مقالاتی در این عرصه نگاشته شده، اما نگارنده در گردآوری داده‌های نوشتار خود که معطوف به آموزه‌های رضوی است، با محدودیت منبع مواجه شد. باتوجه به جایگاه والای معنویت و نیز مسئله مهم تربیت، همچنان نیازمند پژوهش‌های نو و دستاوردهای جدید در ساحت تربیت معنوی هستیم. بایسته است باتوجه به اینکه هر یک از امامان شیعه نماد و نمود یکی از صفات کمالی و جمالی پروردگار هستند و صفت خاصی را در خود متجلی ساخته‌اند، به مطالعه شیوه‌های تربیتی آن‌ها با رویکرد معنوی پرداخته شود. این مسئله می‌تواند در قالب‌های تطبیقی و گاه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نیز صورت پذیرد. امید است پژوهش حاضر توانسته باشد زمینه شکل‌گیری و تولید موضوعات و مسائل سازنده‌تری در این عرصه را به وجود آورده باشد.



شکل ۲. درختواره شیوه‌های تربیتی رضوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی

منابع

- قرآن کریم (ناصر مکارم شیرازی مترجم). نهج البلاغه. (۱۳۸۳). (محمد دشتی مترجم). قم: طلوع مهر.
- آمدی، ع. (۱۴۰۷). *غررالحکم و دررالکلم*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- ابوالقاسمی، م. (۱۳۹۳). عوامل بازدارنده سلامت معنوی. *تاریخ پزشکی*، ۲۱، ۲۳۳-۲۱۱.
- اخوان ارمکی، م. و نعلچی، م. (۱۳۹۳). سبک زندگی معنوی امام رضا (ع)؛ الگویی برای آرامش روانی. *فرهنگ رضوی*، ۷، ۱۷۹-۱۴۵.
- اشعری، ز؛ باقری، خ. و حسینی، ا. (۱۳۹۱). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی. *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۵، ۱۱۲-۸۹.

باغگلی، ح؛ شعبانی ورکی، ب؛ غفاری، ا. و نهانودی، ع. (۱۳۹۱). نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر، معنویت دینی و نوپدید: تشابه ذاتی یا اشتراک لفظی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۶، ۸۹-۱۱۵.

پروا، م. (۱۳۸۰). روان‌شناسی یکتاپرستی یا فانوس رستگاری. تهران: بی‌جا.

حرانی، ا. (۱۳۶۷). تحف‌العقول (احمد جنتی عطائی مترجم). تهران: امیرکبیر.

حر عاملی، م. (۱۴۰۹). وسائل‌الشیعه. قم: آل‌البیت.

حکیمی، م. (۱۳۸۸). فراهایی از سخنان امام رضا (ع). ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

دین‌پرست، م. (۱۳۸۳). سید حسین نصر دل‌باخته معنویت. تهران: کویر.

رخشاد، م. (۱۳۸۴). در محضر علامه طباطبایی. قم: سما قلم.

سلحشوری، ا. (۱۳۹۰). حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲، ۴۱-۵۶.

شلدراک، ف. (۱۳۸۰). معنویت و الهیات (حسن قنبری مترجم). هفت آسمان، ۹ و ۱۰، ۲۷۲-۲۴۳.

صدوق، م. (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. بیروت: الأعلمی.

صدوق، م. (۱۴۰۷). الامالی. قم: البعثه.

طباطبایی، م. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، ا. (۱۳۶۴). مشکاة الانوار فی غرر الاخبار (سیدعبدالحسین رضایی نیشابوری مترجم). مشهد: طوس.

غزالی، م. (۱۳۵۱). احیاء علوم الدین (مؤیدالدین محمد خوارزمی مترجم). به کوشش حسین خدیوجم. تهران: علمی فرهنگی.

فردانش، ه. (۱۳۸۷). طبقه‌بندی الگوهای طراحی سازنده گرا. براساس رویکردهای یادگیری و تدریس. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۲، ۲۱-۵.

کلینی، م. (۱۳۸۱). اصول کافی (لطیف و سعید راشدی مترجم). قم: اجود.

مجلسی، م. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار. بیروت: الوفاء. دار احیاء التراث العربی.

محمدی، ع. (۱۳۹۰). نقد نظریه تباین دین و معنویت. معرفت کلامی، ۳، ۱۳۶-۱۱۵.

مؤمنی‌راد، ا؛ علی‌آبادی، خ؛ فردانش، ه. و مزینی، ن. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴، ۱۸۷-۲۲۲.

میرعرب، ف. (۱۳۹۲). تربیت اعتقادی و معنوی با نگاهی قرآنی. قم: بوستان کتاب.

نصر، ح. (۱۳۷۸). معنویت و علم؛ هم‌گرایی یا واگرایی (فروزان راسخی مترجم). نقد و نظر، ۱۹ و ۲۰، ۸۷-۷۴.

نصر، ح. (۱۳۸۶). جنبش‌های معنویت‌گرا: تصویر دیروز و چشم‌انداز فردا (منوچهر دین‌پرست مترجم). اخبار ادیان، ۲۲، ۶۲-۵۷.